



نشریه رهایی زن

سردبیر: مینو همتی

Email: minohemati@gmail.com

دستیار سردبیر و صفحه آرایی: شراره رضایی

Email: sharahrezaei.p@googlemail.com

17 مارس 2012

شماره نشریه: سری دوم - 2

مصاحبه مینو همتی با نسرين پرواز

نویسنده و فعال حقوق زنان و از

زندانیان سیاسی دهه شست

شبحی در اینترنت به حرکت درآمد که مباحث و عکس‌العملهای متضادی را بدنبال داشت.

این شباه یکی از مصر بنام عالییه و تصویر برهنه اش در اعتراض به زن ستیزی جامعه پای در دنیای مجازی گذاشت دیگری هم که عکسهای نیمه برهنه گلشیفته فراهانی برگرفته صحنه های یک فیلم کوتاه در فرانسه سربرآوردند.

برای بررسی این عکس‌العملها به گفتگو با نسرين پرواز مینشینیم.

با سلام، خوش آمدید به برنامه رهایی زن

- متشکرم از دعوت تون

1) عکس‌العملها به موضوع برهنگی عالییه و عکسهای نیمه

برهنه گلشیفته را چگونه ارزیابی میکنید؟

- البته شاید کار این دو نفر ربطی به هم نداشته باشد، چرا که حرکت عالییه المهدی و انتشار عکسهای برهنه اش در اینترنت، طبق گفته خودش، اعتراضی بود به تثبیت قدرت اسلامیت ها و عواقب آن برای "زن" به طور اخص و جنبش زنان مصر به طور اعم. خانم فراهانی چنین ادعایی نکرده است. اما کار خانم فراهانی زمان جالبی روی داد. رژیم ایران در داخل تازه سینه های مانکن های فروشگاهها را بریده بود و در عرصه جهانی هم با فیلم بواقع "جدائی سیمین از نادر"، بار اتهامی خواست خروج زنان از کشور را از ساختارهای زن ستیز به خود زنان منتقل میکرد. در این هنگامه بود که هنرپیشه ای که اتفاقا طول عمرش بیش از درازای موجودیت جمهوری

اسلامی نیست نیست و تا مدتی پیش در ایران بوده و زیر اهرم قانون حجابش را هم رعایت می کرده، یکباره در خارج از ایران نه تنها روسری، بلکه بخشی از لباسش را در می آورد. از سوی دیگر سرعت پخش خبر و عکس، در عصری که به عصر اینترنت مشهور است، در واکنش به این مساله بسیار تاثیر گذار بود. اگر این اتفاق مثلا بیست سال پیش می افتاد تا خبرش به ایران و گوش مردم برسد زمان به مراتب طولانی تری می طلبید و وقتی هم به مخاطب ایرانی میرسید دیگر خبر کهنه ای بود و عکس‌العمل مردم هم نسبت به آن به مراتب کم رنگتر می بود.

نکته سوم هم به گمان من ناسیونالیسم ایرانی است که نسبت به هر چیزی که مهر ایرانی خورده باشد حساسیت



MinoHemati@GMail.com
Rahai-Zan.tv

مینو همتی

سامکیر ۷۵۴ ۸۶۲۳ ۱ (۷) ۷



خاصی نشان میدهد و مورد گلشیفته فرهنگی هم یکی از همین موارد بود. به عقیده من واکنش ها به عکس گلشیفته را باید در منظری کلی تر بررسی کرد. مساله، وجود فرهنگ ارتجاعی برآمده از آلوده به ارتجاع مذهبی حاکم است.

فرهنگی که پسماندگی خودش را در عکس العمل هایش به عکس های نیمه عریان گلشیفته، عریان کرد.

اینکه رسانه ها به خودشان حق دادند که از دیگران بپرسند که موافقت یا مخالف جای نقد و بررسی دارد. به واقع آنچه در این میان جای بحث دارد نه خود عکس گلشیفته بلکه نفس وجود واکنش به آن است. از همین رو هر نوع سوال جامعه شناختی حول این قضیه، نه تحلیل این واکنش ها، بلکه اساس و چرایی شکل گیری هیاهو حول این "مساله" است. چرا تصمیم و تصویر کاملاً فردی یک هنرمند اینگونه به عرصه قضاوت عمومی راه مییابد؟ و اینهمه هیاهوی بسیار برای هیچ مختصات چگونه جامعه ای می تواند باشد.

واقیت این است که یکی از بی شمار تأثیرات جمهوری اسلامی بر جامعه

ایران این بوده است که همه فکر می کنند باید در مورد هر کاری که هر کس انجام می دهد نظر داشته باشند. مردمی که از خصوصی ترین تا اجتماعی ترین روابط و عملکردشان زیر نره بین ایدئولوژی دینی-نظامی قرار گرفته و این به بخشی از روزمرگی و نُرم زندگی مردم بدل گشته، خود در چرخه ای دیگر دانسته یا ندانسته این مناسبت را در روابطشان با افراد و دنیای خارج از خود باز تولید می کنند. به همین دلیل و به تبعیت از مناسبات عمل شده از سوی رژیم جمهوری اسلامی در واقع خود را به نوعی مُحق به سرکشی در زندگی مردم، در نقش منکرات یا گشت ارشاد می دانند. همانگونه که رژیم از اخبار زندگی خصوصی افراد برای کنترل و فشار بر آنها استفاده می کند، به همین موازات، کنجکاوی بیمارگونه ای نسبت به زندگی دیگران مشروعیت میابد و در غلبه یک خصیصه فرهنگی در جامعه عرض اندام می کند. یکی از نموده های تأثیر این فرهنگ در خارج از ایران را به این شکل می توان دید که ایرانی ها بخشاً از یکدیگر گریزانند.

چرا که از کنجکاوی و شایعات بعد از آن نگرانند.

جامعه ایرانیان نمونه گویای ورود فرهنگ از بالا و سطح کلان به جامعه و سطوح خرد زندگی مردم است. عکس العمل های وسیع نسبت به عکس گلشیفته فراهانی یکی از همین نمونه هاست. شاید هیچ مسئله سیاسی، اجتماعی، هنری و علمی نمی توانست تا این حد ایرانیان را وارد صحنه نظردهی کند. اما موضوعی چون برهنگی یک هنرپیشه به هدف کاملاً شخصی و بی ربط به دیگران، صورت اخلاقی به خود میگیرد و در بازار رسانه ها به مناقصه موافقین و مخالفین گذشته میشود و اصحاب رسانه هم خود را محق میدانند که مخاطبینش را در جعبه های موافق و مخالف بچینند و کسی هم نمی پرسد که موافقت و مخالفت با چه؟ مساله چیست؟ و چرا تصمیم یک فرد حال هر که می خواهد باشد، راجب بدنش، به من اصلاً ربط پیدا میکند.

اگر قبول داریم که هر فردی آزاد است تا جایی که آزادیش در تناقض با آزادی دیگران قرار نگیرد و یا آن را محدود نکند.

از سایت و فیس بوک رهایی زن دیدن کنید!



هستند، بلکه مال همه مردم نیز هستند و همه حق دارند در مورد آنان قضاوت کنند. گویی ما ایرانی‌ها از گهواره تا گور و از این سر دنیا تا آن سر دنیا به هم وصل هستیم و هر کارمان باید زیر نره بین یکدیگر باشد و برای هر کارمان باید پاسخگو باشیم و یا مورد شماتت مخالفان قرار بگیریم. این فرهنگی سرکوبگرانه است که به خود حق می‌دهد در زندگی دیگران دخالت کند، و وقتی که قادر نیست شیوه خود را تحمیل کند آنوقت دست به تحقیر می‌زند. همان روشی که جمهوری اسلامی سی سال است دارد با مردم در ایران انجام می‌دهد. می‌بینیم که در این ماجرا این تنها جمهوری اسلامی نبود که در رابطه با عکس خانم فراهانی یک برنامه تلویزیونی درست کرد. متأسفانه خیلی از نیروهای سیاسی و اجتماعی نیز درگیر ماجرا شدند، چرا که توجهی که به عکس گلشیفته شد آنها را به این خیال انداخت که "برهنگی" بلنفسه یک شیوه از مبارزه است و آن را به

که حرکتی غیرعرفی و اسلامی انجام داده، سیاست اسلام زده به سراغش می‌آید. هر حرکتی و یا نوع زندگی‌ای که در چهارچوب قوانین رژیم نباشد در خود سیاسی می‌شود، و مورد مجازات قرار می‌گیرد.

بخصوص وقتی که علنی و در معرض دید جامعه است، همانطور که رژیم این حق را برای خود قائل است که دخالت کند، بخشی از مردم نیز آنرا به خود مربوط می‌دانند و در آن با نشان دادن موافقت و مخالفت خود دخالت می‌کنند.

هر روز میلیونها عکس لخت در اینترنت و یا در روزنامه‌ها چاپ و پخش می‌شود. ولی وقتی عکسی از خانم فراهانی چاپ می‌شود تعدادی از ایرانیان به رگ غیرتشان بر می‌خورند. همانطور که به رگ غیرت جمهوری اسلامی برخورد. گویی چون خانم فراهانی شناسنامه ایرانی دارد مال همه است و هیچ گونه حق فردی ندارد. در واقع حالا زنان ایرانی نه تنها مال و ملک رژیم

پس گلشیفته هم می‌بایست آزاد باشد هر نوع عکسی که دوست دارد بگیرد و چاپ کند و کسی نمی‌بایست به قضاوت او بنشیند و یا به او فحاشی کند. مساله ای که به کزّات شاهدش بودیم. مخالفت با عکس گلشیفته، مخالفت با آزادی فردی اوست.

عکس نیمه عریان گلشیفته چه مزاحمتی برای دیگران داشت؟ هیچ. حرکت او ، اینکه با روسری یا بی‌حجاب، با سینه بند و یا با سینه عریان بازیگری می‌کند، تنها به خود او مربوط است. ولی متأسفانه به این دلیل که این حرکت در انظار جامعه بود و در عرصه عمومی رسانه توانست به رویت همگانی برسد، و از سوی دیگر منطبق نبودن این حرکت با فرهنگ اسلام زده ایرانی، مردم را به این شبهه انداخت که می‌توانند و می‌بایست راجب این مساله نظر و موضع داشته باشند. کار گلشیفته از سر سیاست نبود (در مصاحبه ای می‌گوید که سیاست برایش جالب نیست و بیشتر دوست دارد به هنر بپردازد) ولی از آنجایی

دست مذهب از زندگی زنان کوتاه!

مسئولین هم سعی می‌کردند در حین پوشاندن بخش‌هایی از بدن وی با کلاه‌شان وی را از زمین بیرون کنند. که حتی آرشیو این نوع اعتراض یعنی با بدن برهنه در اینترنت موجود است.

اینکه در کشورهای اروپایی افراد می‌توانند در کنار دریا برهنه از طبیعت لذت ببرند، متفاوت از این است که در جامعه و در محیط کار و زندگی و یا فیس‌بوک خود را برهنه کنند. هنوز ممکن است از برهنگی در جامعه بعنوان یک ابزار اعتراضی استفاده کنند ولی موافق انتشار عکس برهنه نیستند. اینکه برخی از مدافعان عکس‌خانم فراهانی گفتند، در جوامع اروپایی برهنگی عادی است، در کنار دریا هر کس بخواهد برهنه می‌شود. این یک جوک بیشتر نیست. چرا که آنها برای خود و لذت خود در کنار دریا عریان می‌شوند نه برای دوربین.

گذشته از اینکه هدف خانم فراهانی چه بوده است، ولی ایشان امکان نداشت به وسیله دیگری بتواند تا این حد مورد توجه قرار بگیرد. اگر حتی هزاران مقاله می‌نوشت، صدها

یکبار هم که شده بدن زن را، یک تصویر برهنه را، یک وسیله جنسی نبینند. یکباره تب برهنگی خیلی‌ها را گرفت و با آن انقلابی درست کردند، و دگرباره این تب هم مثل خیلی تب‌های دیگر خوابید.

به نمایش گذاشتن بخش‌های جنسی بدن که در همه فرهنگ‌ها آنرا می‌پوشانند، وسیله‌ای برای اعتراض بوده و هست. نمونه‌های این نوع اعتراض را در تاریخ خیلی از جوامع بخصوص در کشورهایی که حالا تا حدی به آزادی‌های فردی احترام می‌گذارند، می‌توان دید. شاید حالا کمتر این نوع اعتراض در کشورهای اروپایی مورد استفاده قرار گیرد، چرا که بدن عریان تابو بودنش را در این کشورها از دست داده است. ولی تا چند سال پیش هرازچندگاهی با این پدیده روبرو می‌شدی که در میان بازی فوتبال که هزاران نفر بطور زنده و میلیون‌ها نفر از طریق تلویزیون مشغول تماشای آن بودند، زن و یا مردی کاملاً عریان به وسط زمین می‌دوید. و به این شکل اعتراض خود را نشان می‌داد که

زعم خود، به عنوان شیوه ای از مبارزه وارد عرصه‌های کاری خود کردند.

2) اعتراض به سبک برهنه شدن در دهه‌های 70 و 80 میلادی در غرب رایج بوده و لیکن اکنون کمرنگ شده و دیگر برهنه شدن تابو بودنش را از دست داده است. موضع جنبش رهایی زن در این رابطه چگونه باید باشد؟

- برهنگی تاریخ جالبی دارد. برهنگی و تابوی برهنگی رابطه زیادی با میزان پوشش و قوانین حجاب دارد. هر چقدر زنان در کشوری محدودتر باشند و رابطه بین زن و مرد محدودیت بیشتری داشته باشد، برهنگی در عین تابو بودن، مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد، و همانطور که دیدیم موجب عکس‌العمل بیشتری نیز می‌شود. مناسفانه در رابطه با عکس خانم فراهانی نیز بعضی‌ها با چشمان ترازویی‌شان و با نگاه جنسی و با سلیقه جنسی خود در مورد بدن وی ابراز نظر کردند و به عیار گذاری پرداختند. نتوانستند

نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب اجباری



زنان وارد عمل میشوند. در رابطه با برهنگی به عنوان ابزار مبارزه باید یک مسئله را در نظر گرفت. و آن اینکه وقتی فشار زیاد است، گاهی عکس‌العمل‌ها هم تند می‌شوند. جامعه ایران نمونه خوبی برای بررسی فشارهای شدید و عکس‌العمل‌های شدید است. این را می‌توان در رابطه با علیا المهدی نیز دید. او آگاهانه قصد میکند تصویر برهنه خود را ابزاری برای اعتراض به قدرت‌گیری رسمی اسلام سیاسی در مصر کند. گلشیفته هیچگاه این ادعا را نکرد. ولی عده‌ای دیگر کار او را سیاسی و مبارزه با جمهوری اسلامی و برای آزادی زنان قلمداد کردند. فرض می‌گیرم عمل گلشیفته نه بنابر خواست و ضرورت شغلی بلکه همانطور که عده‌ای گفتند، در واکنش به فشار بی‌اندازه به زنان در ایران است. مسئله این است که آیا در مبارزه با نگاه و یا فرهنگ ارتجایی می‌توان از همان ابزاری استفاده کرد که رژیم با ایدئولوژی اسلامی از آن استفاده می‌کند؟ آیا می‌توان نگاه فراجنسیتی به بدن داشت و آن را آنگونه که حکومت ایران می‌بیند ندید ولی همزمان با همان سلاح که اتفاقاً رژیم هم از آن استفاده میکند به مخالفت و مبارزه با این نگاه

رئیس جمهور رژیم جمهوری اسلامی ایران گفت، موهای زنان اشعه دارد. خوب بود که از آقای بنی‌صدر می‌پرسیدیم که آیا هنوز هم این نوع اشعه را می‌بینند و یا تنها وقتی که ایران بودند و رئیس جمهور بودند آن اشعه را می‌دیدند.

جمهوری اسلامی با قوانین اسلامی تن زن را از حوزه خصوصی و فردی آن در آورد و آنرا تبدیل به یک موضوع کاملاً اجتماعی، سیاسی و ملی کرد. حجاب اجباری زندان متحرک زنان از هر طبقه و موقعیت اجتماعی شد. حجاب اجباری مهمترین قانون در خلع ید زنان از بدن خود و به مالکیت رژیم در آوردن آن بود. وقتی جزای بی‌حجابی هشتاد و چهار ضربه شلاق است، وقتی زنی را بخاطر زنای محسنه دستگیر می‌کنند و حتی می‌کشند، به این معنی است که زنان هیچ‌گونه حق مالکیت و آزادی بر بدن خود ندارند. درست است که بنابر قوانین جمهوری اسلامی زنان متعلق به مردان خانواده هستند، ولی قبل از آن همه زنان متعلق به جمهوری اسلامی هستند. چرا که حتی مهم نیست که مردان خانواده چه دیدگاهی راجب "زن" و "زنانشان" دارند. حتی اگر مردی اینگونه به مساله نگاه نکند و زن را مایملک خود نبیند اینجا خود رژیم با ابزارهای قانونیش برای سلب آزادی

مصاحبه می‌کرد، ما قطعاً شاهد این میزان از برخورد با او چه در مقام موافقت و چه در مخالفت نمی‌بودیم. امکان نداشت تا این حد به او فحاشی شود و یا مورد ستایش قرار گیرد. چرا که ایشان از همان اسلحه‌ای استفاده کرد که علیه زنان استفاده می‌شود. رژیم با ابزار ایدئولوژی اسلامی زن را می‌پوشاند. چرا که تمامی بدن زن را یک وسیله جنسی می‌دانند و می‌بینند. می‌شود گفت آنها تمامیت وجود زن را جنسی می‌بینند و برای همین آنرا می‌پوشانند. تقریباً همه مردم دنیا بخش و یا بخش‌های جنسی بدنشان را می‌پوشانند. ولی رژیم های توتالیتر اسلامی چون زن را تنها با بخش جنسی‌اش تعریف می‌کنند، و زن اصولاً یک وسیله جنسی است در دیدگاه، به همین خاطر باید تمامش پوشانده شود.

در این نگاه زنی که خودش را نمی‌پوشاند یعنی موهایش و یا هر بخشی از بدنش پیدا است، هرزه و تن فروش است. همانقدر که سینه برهنه زن برای بعضی از مردهای اروپایی می‌تواند تحریک کننده باشد، موهای زن برای اسلامی‌ها همان نقش را دارد. چرا که نگاهشان متفاوت است! همانطور که آقای بنی‌صدر، اولین

تلاشی برای ارتباط با مردم جامعه و تغییر به همراهی نیروهای مردمی نمی شود. حتی در خانواده‌های خیلی از فعالین جنبش زنان همان قوانین اسلامی ضدزن اجرا می‌شود، که سکوت در مورد آن زمینه صلح و سازشی را که به ضرر زنان است فراهم می‌کند. جنبش زنان، مثل جنبشی که برای آزادی و برابری علیه جمهوری اسلامی در سالهای ۵۸ به بعد مبارزه کرد، حاضر است برای آرمان‌های دستگیر و اعدام شود اما نمی‌تواند آنرا زندگی کند. شاید بهتر است بگویم خیلی از ایرانی‌ها براحتی برای شعارهایشان می‌میرند ولی حاضر نیستند آنها را زندگی کنند. چرا که تبدیل شعار به شیوه زندگی شاید خیلی سخت باشد و خود یک نوع مبارزه جدا می‌طلبند. همه ما آدمهایی را می‌شناسیم که برای آزادی و برابری مبارزه کردند و الان هم بر حسب یک اتفاق زنده هستند، افرادی که دوستانشان اعدام و یا ترور شدند، و خودشان هم مجبور به زندگی مخفی و فرار از ایران شدند. اما وقتی به زندگی‌شان نگاه می‌کنید نه آزادی و نه برابری در آن می‌بینید. در مبارزه هم همان نقشی را بازی می‌کنند که در خانه و در رابطه با کسی که با او زندگی

3) از بدو روی کار آمدن رژیم اسلامی و در طی این سی سال زنان علیه قوانین زن ستیز اسلامی دست از مبارزه برنداشته اند و مطالبات خود را بهر نحو بیان کرده اند ارزیابی شما از این خواسته ها و مطالبت چیست؟

- خوشبختانه مبارزات زنان باعث شد که رژیم در همان ابتدای قدرت گیری نتواند زنان را در کیسه کند وگرنه خمینی می‌خواست چادر را اجباری کند ولی زنان با اعتراضات خود مانع آن شدند. متأسفانه نقاط ضعف زیادی در جنبش زنان نیز بوده و هست. پراکندگی آن و تعلق بخش عمده آن به طبقه بورژوازی ایران که خودش را در همراهی‌اش با جنبش سبز بخوبی نشان داد، از مسائلی هستند که مانع از موفقیت آن است. مسئله دیگر این است که این جنبش عمدتاً روی قانون و تغییر قانون از بالا تأکید دارد.

متوجه این امر نیست که با وجود جمهوری اسلامی از هر نوع آن زنان به برابری کامل با مردان دست نخواهند یافت. این ساده لوحی است که از مردان چند همسره و زنان مردسالار در مجلس که اتفاقاً خود ارائه دهنده طرح قانون حمایت از خانواده بودند بخواهیم قانون چند همسری را لغو کنند. این جنبش

پرداخت متأسفانه عکس‌العملی که در آن بدن استفاده می‌شود تا مخالفت خود را با درک و برخورد و فشار رژیم توتالیتر نشان دهد چندان متفاوت با همان نگاه سیستم به بدن انسان نیست. در واقع هم عمل و هم واکنش به آن دو روی یک سکه هستند، حال در سوهای مختلف. به گمان من این مبارزه نیست. واکنش است از همان جنس، با همان سلاح اما در جهتی دیگر. گذشته از اینکه هر کس حق دارد و آزاد است عکس عریان خود را به نمایش بگذارد، ولی خود چنین حرکتی نشان می‌دهد که خود آنها نیز با همان نگاه و با همان ابزار به اعتراض به محدودیتهایی که جمهوری اسلامی بر آنها وارد می‌کند، برخواسته‌اند. در واقع با نمایش بخش جنسی خود این افراد نیز هر چند به نام اعتراض، ولی تمام بدن خود را با همان عضو جنسی معرفی می‌کنند. در واقع با این عکس‌های برهنه می‌گویند تو مرا عضو جنسی می‌بینی باشد ولی حق نداری مرا بپوشانی اینجا دیگر دستت به من نمی‌رسد، و راست می‌گویند دست رژیم در اینجا به آنها نمی‌رسد.



خشونت خانگی گواه این مدعاست. راه رهایی زن مبارزه همزمان با قوانین اسلامی و فرهنگ ضدزن می‌باشد. وابستگی اقتصادی زن به مرد که رژیم بواسطه به رسمیت نشناختن حقوق اولیه زنان شرایط مادی آنرا فراهم کرده است، مهمترین مانع رشد و آسایش زنان است. حقوق بیکاری و حقوق خانه‌داری از مهمترین خواسته‌های زنان است که تحقق آن باعث می‌شود بتوانند بعنوان یک انسان مستقل فکر کنند و برای زندگی‌شان تصمیم بگیرند. فکر می‌کنم جنبش رهایی زن باید سعی کند زنان را در آگاهی به حقوق و مطالبات خود متشکل کند. اگر زنان به حقوق خود آگاه شده و حول آن در محل زندگی و محیط کار خود متشکل شوند، نه تنها می‌توانند مدعی این حقوق اولیه خود شوند، بلکه می‌توانند در زندگی خصوصی‌شان نیز به هم کمک کنند. تنها با متشکل شدن است که زنان می‌توانند قدرتمند شده و به هم کمک کنند تا در زندگی شخصی خود قربانی خشونت خانوادگی نشده و در سطح جامعه خواهان حقوق برابر با مردان باشند.

همسرانشان که دو برابر خواهرانشان ارث می‌برند می‌ایستند و علیه آن اعتراض می‌کنند؟ و یا منافع‌شان مانع از آن است که این کار را بکنند؟ و وقتی که نوبت خودشان می‌رسد انتظار دارند که برادرانشان سهم برابر ببرند؟ و اگر برادرانشان دو سهم بردند، به سکوت برگزار می‌کنند، چرا که فکر می‌کنند آبروی‌شان می‌رود؟ مسائل و حقوق زنان خصوصی و عمومی همه به هم ربط دارند. ما نمی‌توانیم برای حقوق خود با رژیم مبارزه کنیم ولی جلوی خشونت خانگی مثل دزدی برادر از خواهر تحت نام ارثیه دو برابر سکوت کرده و یا با آن همراهی کنیم. این اشتباه است که فکر کنیم با تغییر قانون می‌توانیم یکباره فرهنگ را تغییر داده و زن ستیزی را از بین ببریم. قانون فرهنگ می‌سازد و فرهنگ نیز قانون می‌سازد. اگر مردم مخالف این قوانین بودند، رژیم عملاً نمی‌توانست آنها را برای سی سال پیش ببرد. قوانین اسلامی با اتکا به اینکه حداقل نیمی از جمعیت کشور یعنی مردان از آن بهره می‌برند، توانسته دوام پیدا کند. و ببینید چقدر این قوانین ضدزن به فرهنگ زن ستیزی دامن زده است. آمار بالای قتل‌های ناموسی و

می‌کنند، دارند. حتی در خارج از ایران که امکان زندگی برابر و آزاد به مراتب بیشتر است، اثری از این ارتباط انسانی در عرصه خصوصی زندگی‌شان دیده نمی‌شود. نه در زندگی خصوصی، نه در روابط خانوادگی و نه در روابط سیاسی‌شان. در حالیکه چه بسا حداقل بخشی از آنها همین الان حاضرند برای ظاهراً همان آرمانها و یا شعارها بمیرند.

ببینید اگر مردم این قوانین ضدزن را قبول نداشته باشند، مجبور نیستند آنرا زندگی کنند. می‌توانند حق طلاق زن را در قرارداد ازدواج درج کنند. می‌توانند بجای مهریه مثل کشورهای اروپایی تقسیم برابر دارایی بعد از طلاق را در سند ازدواج درج کنند و به آن پایبند باشند. می‌توانند ارث برابر ببرند و در خیلی از موارد دیگر قوانین اسلامی را عملاً رعایت نکنند. این مسئله فرهنگی است که نمی‌گذارد مردم زندگی‌شان را متفاوت با قوانین اسلامی تنظیم کنند. قوانین و فرهنگ دو بال کفتری هستند که به جان زن افتاده است. و متأسفانه این فرهنگ مردسالار تنها در بین مردان نیست. آیا زنان جلو

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

قطنامه هشت مارس ۲۰۱۱ سنندج و خرم آباد (فارسی و انگلیسی)

بیمه از کارافتادگی،، بازنشستگی و پرداخت حقوق و مزایای برابر برای همه زنان خانه دار هستیم؛

11- کودکان و زنان تحت تکفل کارگران از شرایط غیر انسانی که به آنها تحمیل شده است بشدت رنج می برند ما از اعتراض و مبارزه کارگران و خانواده های آنها برای کسب حقوق های معوقه ، بدست آوردن حقوق مکفی و تامین یک زندگی انسانی پشتیبانی میکنیم؛

12- تامین زندگی و مسکن مناسب برای کودکان - دختران و زنان بی پناه و خیابانی.

زنده باد هشت مارس

شرکت کننده گان در مراسم روز جهانی زن ۸ مارس ۲۰۱۱

کانون دفاع از زنان و کودکان لرستان- خرم آباد و سنندج

۱۷ اسفند ماه ۱۳۸۹

3- لغو حجاب اجباری و برسمیت شناختن آزادی پوشش؛

4- لغو اعدام، سنگسار ، قصاص و ممنوعیت شکنجه و خشونت از قوانین کشور؛

5- آزادی همه زندانیان سیاسی ، تامین بدون قید و شرط آزادیهای سیاسی و اجتماعی ، آزادی بیان ، تشکل و تجمع؛

6- ما حمایت خود را از قیام های اجتماعی در کشورهای آفریقایی و خاورمیانه اعلام میکنیم و از جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی مردم برای سرنگونی رژیم های مستبد حاکم پشتیبانی میکنیم؛

7- برسمیت شناخته شدن حقوق برابر برای زن و مرد در همه فعالیتهای اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی؛

8- آزادیهای فردی و اجتماعی مردم به رسمیت شناخته شود و ممنوعیت نقض حقوق شهروندان از طرف نهادهای رسمی و غیررسمی؛

9- تامین حقوق و دستمزد برابر برای همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد؛

10- زنان خانه دار کارگران بی مزدند . ما خواهان تامین بیمه بیکاری ،

روز ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن است، برای ما زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، ۸ مارس روز اعتراض به نابرابری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. روز اعلام کیفرخواست علیه بانیان تبعیض و نابرابریست، روز اعلام مبارزه علیه منادیان جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی و اجتماعی است.

جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی جنبش رهایی زن است جنبش رهایی نوع بشر است. برای تحقق آزادی زن، برابری و تامین یک زندگی شایسته انسان باید مبارزه کنیم.

ما شرکت کننده گان در هشت مارس ۲۰۱۱ پشتیبانی خود را از مبارزات بین المللی زنان و مردان برای کسب آزادی و برابری اعلام میکنیم . همه انسانهای آزادیخواه را به مبارزه مشترک برای تامین مطالبات ذیل فرا میخوانیم:

- 1- لغو کلیه قوانین و مقررات زن ستیز و نا برابر در همه شئون زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی؛
- 2- لغو آپارتاید جنسی در جامعه؛



Resolution adopted by participants of March 8th 2011, rallies in Lorestan and Sanandaj

March 8 is the International Women's Day. For us, the freedom and equality seeking women and men, the March 8th is the day of defiance against all aspects of social, economic and political prejudices and inequalities. March 8th is an indictment against the perpetrators of injustice and inequality; it is the day of defiance against ignorance, social and cultural backwardness.

The women's movement for emancipation is part and parcel of greater human endeavour for liberation and equality; and for a life worthy of human being.

We, the participants of the March 8th, 2011 rallies, whilst extending our full support to all women and men striving for equality across the world, call on all libertarians to join our ranks to secure the following demands:

1. The abolition of all misogynist and prejudicial laws and legislations in all social, political and economic spheres
2. Abolition of gender apartheid

3. Abolition of compulsory veiling and the right to choose one's dress

4. Recognition of equal rights for women and men in all aspects of economic, political and social activities

5. Equal pay for equal work for all citizens both women and men

6. Housewives are unpaid workers. We call for the provision of social security, pension and incapacity benefits for all housewives

7. Women and children in working class families suffer enormously as a result of low wages and unpaid wages. We fully support the struggles of workers and their families for their unpaid wages and for a humane living standard.

8. Abolition of capital punishment, stoning, Islamic retribution and prohibition of torture

9. Release of all political prisoners and unconditional rights of expression, assembly, organisation and social and political activities

10. We fully support the recent uprising in countries in North Africa and the Middle East and support all progressive movements aimed at bringing down

despotic regimes

11. Recognition and respect for all individual and social rights of citizens

- 12.2. We call for decent accommodation and livelihood for all street children homeless women.

Lon Love March 8th

Participants of March 8th, 2011 rallies:

March 8th Committee- Lorestan Province

March 8th Committee- Sanandaj

8 مارس هر ساله در اقصی نقاط دنیا گرامی داشته میشود

گزارش و عکس هایی از گرامی داشت 8 مارس در ایران و دیگر کشورهای دنیا

گزارشی از برگزاری 8 مارس در سنندج

بعد از ظهر امروز پنج شنبه 18 اسفند ماه 90 نیروهای امنیتی و انتظامی مانع از برگزاری مراسم 8 مارس روز جهانی زن در شهر سنندج شدند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبری موکریان، این مراسم که در پی فراخوان تعدادی از فعالان اجتماعی شهر سنندج قرار بود به صورت راهپیمایی از سه راه نمکی شروع و تا میدان انقلاب ادامه یابد، با دخالت نیروهای امنیتی و انتظامی حاضر در محل لغو گردید. به گفته یک شاهد عینی، نیروهای انتظامی ضمن متفرق کردن حاضرین، چند تن از شرکت کنندگان در مراسم را بازداشت نمودند.



تظاهرات 500 هزار نفری زنان پاکستان در 8 مارس

باشکوهترین اعتراض تاریخی زنان در آستانه هشت مارس ۲۰۱۲ در روز یکشنبه ۶ مارس در پاکستان. سرزمینی که زنان در زمره بزرگترین قربانی آن میباشند رقم خورد. امروز زنان و مردان برابری طلب پاکستان تاریخ را به گونه ای دیگر نوشتند. تاریخی فرای بن لادن ها و دسته جات متحجر اسلامی، تاریخی فرای کشمکش های قومی قبیله ای، تاریخی فرای تروریسم دولت آمریکا و نیروهای نظامی غرب، تاریخی فرای اخبار تکان دهنده و تاسف بار قتل های ناموسی زنان. امروز پرچم برابری زنان در پاکستان به اهتزاز درآمد پرچمی که روزا لوکزامبورگ ها و کمونیستهای قرن ۱۹ آن را ساخته و بلند کرده بودند.



زنده باد دنیای آزاد و برابر زنده باد 8 مارس

متن سخنرانی شراره رضایی فعال جنبش زنان در ایران

امروز 8 مارس، روز جهانی زن، روز مباره علیه تبعیض و نابرابری و حذف آپارتاید جنسی ست، یک قرن مبارزه برای بدست آوردن حقوق انسانی، تاریخ این جنبش آزادیخواهانه را میسازد و هزاران زن و مرد آزادیخواه علیه تبعیض و نابرابری مبارزه میکنند و تا به امروز وسعت این جنبش فراتر از مرزهای ملی، مذهبی، نژاد و قوم شکل گرفته، ولی با وجود، در کشورهای عقب مانده مذهبی و خصوصاً اسلامی ارتجاعی، زن از ستم جنسی، از خشونت و استثمار رنج می برد و در کشورهای متمدن و نظام سرمایه داری نیز شاهد تبعیض و نابرابری در پرداخت دستمزدها در مقابل کار یکسان، همینطور استفاده ابزاری از زن از

گزارشی از برگزاری 8 مارس در آلمان-کلن

امروز شنبه 2012.03.10 مراسم روز جهانی زن به دعوت سازمان رهایی زن واحد کلن در آلمان برگزار گردید.

در این مراسم ابتدا توسط آرش حسینی برنامه ها اعلام گردید، ابتدا شراره رضایی از فعالین جنبش زنان در ایران به تبعیض و نابرابری و ستم بر زنان در کشورهای اسلامزده و کشورهای اروپایی را اشاره کرد، همچنین درخصوص وضعیت زنان کارگر و استثمار آنان توسط نظام سرمایه داری و ستم جنسی زنان بعنوان یک مسئله طبقاتی مورد بررسی قرار گرفت و دلایل افول مطالبات زنان و امیدهای افق جنبش زنان در ایران مورد بحث قرار داده شد.

سپس مدعوین نظرات و دیدگاه های خود را بصورت پرسش و پاسخ مطرح کردند، بعد از آن با صرف شام و موسیقی و فضایی شاد این روز گرمی داشته شد.

سازمان دهندگان 8 مارس رهایی زن - واحد کلن

لادن داور - محمد راستی



رهایی زن، رهایی جامعه است



گفت غیرانسانی ترین بُعد مثل دیه برابر، قصاص برابر و... افول کرد و این یعنی حقوق ضد انسانی و ارتجاعی و عقب مانده مذهبی را تاکید میکنند و مورد قبول است! و فقط بر سر اجرای آن چانه زنی میکنند و بخش اعظم زنان بورژوازی را همراه خود کرد و هیچ صحبتی از خواسته زن کارگر، زنی که بخاطر فقر و بدبختی مجبور به تن فروشی میشود و عدم دست گذاشتن بر ریشه های نابرابری، سعی در به بیراهه کشاندن جنبش زنان شد و ولی با تمام این به توهم کشیدن های خواسته های بحق و رهایی کامل زنان از هرگونه استثمار و نابرابری و با تمام جان سختی و مقامتی که نظام سرمایه داری در مقابل تغییر وضعیت زنان و حفظ فرودستی زنان در جامعه ی سرمایه داری و بازتولید آن دارد، مبارزات زنان رادیکال جامعه وجود دارد و تنها راه رهایی و آزادی زن از ستم جنسی و نابرابری، اتحاد و یکپارچگی در زیر پرچم سوسیالیستی امکان پذیر است.

رسانه های پر هزینه سعی در رودرو قرار دادن آنان بر علیه یکدیگر کرد و یک ابزار مسلط برای شکاف بین طبقه ی کارگری ایجاد کرد و سایه وحشتی که از اتحاد زنان و مردان کارگر و طبقه ضعیف جامعه داشت سعی در مسلط شدن بر آن داشت.

و این استثمار طبقه ی ضعیف نتیجه ی وجود اختلاف طبقاتی ست. ولی با تمام این وجود اعتراضات و مبارزات گسترده در دنیا در جریان است و جنبش زنان یک جنبش همگانی ست و به تمامی جنبش های دیگر گره خورده و رهایی زنان با رهایی جامعه تداعی میشود، و در جنبش ها و مطالبات زنان باید تمامی مطالبات و زنان مختلف جامعه و از پایین ترین قشر جامعه زنان کارگری را در بر گیرد.

در ایران بخشی از جنبش های زنان متأسفانه عقب گرد عمیقی داشتند، مطالبات و حقوق بخشی از زنان با سازشکاری با حاکمیت و دست بدامن حاکمیت شدن همراه بود و مطالبات و خواسته ها با شعار تغییر برای برابری بیشتر برای کسب قدرت و موقعیت هایی در مجلس و گاه خواسته هایی آنان به پایین ترین سطح و حتی باید

طریق تجارت سکس زنان و دختران کم سن و سال بعنوان بردگان جنسی سالیه پول های کلانی را به جیب دولت های سرمایه دار سرازیر می کند و این نشان دهنده عمق وضعیت اسفبار زنان در کل دنیا و در طول تاریخ دارد.

از زمانی که مالکیت خصوصی شکل گرفت، زنان تحت ستم جنسی و نابرابری قرار گرفتند و روز به روز وضعیت آنان بعنوان طبقه ی فرودست وخیم و وخیم تر شد و سیستم سرمایه داری توانست از این کارگران ارزان که جز فروش نیروی کار خود به صاحبان وسایل (کارفرما) را ندارند، بهره کشی کنند، سرمایه داری نه تنها از نظر اقتصادی، و با مسلط بودن بر شرایط ستم اجتماعی بر جنسیت، نژادها، قوم و مذهب، یک ابزار مسلط برای ایجاد شکاف در بین طبقه کارگری ایجاد کرد و سرمایه دار از این فرصت استفاده کرده و با بکارگیری زنان با مزد کمتر و شرایط سخت تر و هم زمان کار بدون مزد خانگی و مراقبت از کودکان ستمی مضاعف بر آنان تحمیل کرد و تا بجان هم انداختن کارگران مرد در مقابل کارگران زن و از طریق مدیاها و

تاریخچه زنان از هرگونه اسارت، مبارزات ادامه دارد

گزارشی از برگزاری 8 مارس در آلمان - شتوتگارت

امروز شنبه 2012.03.10 ساعت 12 تا 14 ، مراسم روز جهانی زن به دعوت گروه زنان چپ مستقل برگزار گردید.

در این مراسم ابتدا توسط گروه های مختلف زنان، به تبغیض و نابرابری در پرداخت دستمزدها در مقابل کار یکسان و خشونت بر علیه زنان اشاره کردند.

در خلال برنامه گروه موسیقی نوجوانان ترکیه قطعه زیبایی را نواختند . سپس شراره رضایی فعال جنبش زنان در ایران در بخشی از سخنانش به خشونت و نابرابری ، قتل های ناموسی و به طور کلی وضعیت زنان در ایران و همچنین مطالبات و خواسته های رادیکال زنان قرائت کرد که به زبان آلمانی برای حاضرین ترجمه و به شکل بروشورهایی در اختیار حضار قرار گرفت . سپس گروهی از زنان ایرانی در حرکتی نمادین با طناب های دار بر گردن و دهان بسته و چشم بند ، در اعتراض به عمل وحشیانه و غیرانسانی اعدام های گسترده در ایران اعتراض خود به رژیم های دیکتاتور و فاسد، و پایان دادن به این عمل شنیع را خواستار شدند، در خلال برنامه عکس هایی از اعتراضات و جنبش های سازمان یافته زنان در ایران در روی زمین قرار داشت که مورد توجه رهگذران و حضار قرار گرفت.



فیلم این مراسم از طریق
تلویزیون رهایی زن پخش خواهد

گزارشی از برگزاری 8 مارس در ترکیه—استانبول

از ساعت 9 صبح گروهها و احزاب مختلف، در میدان تقسیم و خیابان استقلال استانبول همراه با آواز خوانی و رقص در طی مسیر راهپیمایی آغاز شد. احزاب شرکت کننده در این راهپیمایی: حزب سفید، حزب زنان خلق و پرستاران و.... شرکت داشتند. راهپیمایی از انتهای خیابان استقلال شروع شده و با شعارهای: بشکنه دستی که روی زنان بلند میشه، نصف جمعت دنیا زنان هستند، زنان در خانه و محیط کار مورد تجاوز قرار میگیرند و وزنده باد 8 مارس و با خواندن قطع نامه ای در میدان تقسیم استانبول به پایان رسید. در حاشیه خبر! بازهم درخدمت نظام سرمایه داری یک شرکت پوشاک در روز جهانی زن برای تبلیغات خود و فروش محصولاتش یک عدد بارانی به خانم هایی که در جلوی فروشگاهش ایستاده بودند هدیه میداد!





گزارش و مصاحبه 8 مارس در گوتنبرگ و متن مصاحبه نشمیل فتاحی با رهایی زن

جهانی جنبش زنان را تقویت نموده و همچنین بدین وسیله به گونه ای تعرض به جمهوری دیکتاتوری ضد زن اسلامی را تقویت و تداوم می بخشیم

برگزاری هرچه باشکوه تر و یکپارچه تر این روز به جهانیان اعلام میکند که بشریت به هیچ چیز غیر از آزادی، برابری، رفاه جدائی دین از مذهب رضایت نخواهد داد.

زنده باد 8 مارس روز جهانی زن

سازمان رهایی زن نیز با مصاحبه کوتاه با نشمیل فتاحی و خواندن بیانیه سازمان رهایی زن پشتیبانی خود را از این روز بزرگ اعلام نمودیم 8 مارس روز جهانی زن روز هم پیمانی زنان و مردان برابری طلب، برای مبارزه با تبعیض جنسی، روز اعلام هم سرنوشتی زنان با طبقه گارگر و زحمتکش است روز پیوستن جنبش رهایی زن به صف مقدم جنبش آزادی و برابری و ضد سرمایه داری است روز جهانی زن امسال در شرائطی برگزار میشود که میلیونها کارگر و زحمتکش در اقصی نقاط دنیا نظام دیکتاتوری و سرمایه داری، حکومت های پارلمانی را وادار به عقب نشینی کرده اند از مصر و سوریه تا یونان و اسپانیا جنبشهای توده ای همچنان در جریان است و تاکنون ضربات زیادی به این نظام بحران زده سرمایه داری وارد نموده است جنبش رهایی زن باید با قرار گرفتن در صف مقدم جنبش ضد سرمایه داری و فقر، جنبش آزادی و برابری نقش تعیین کننده ای داشته باشد به عنوان بخشی از جنبش رهایی زن در ایران با پیوستن به صف اعتراضات، تظاهرات و تجمعات این روز در همه جای دنیا همبستگی

به مناسبت روز جهانی زن، 8 مارس از طرف کمیته 8 مارس در گوتنبرگ سوئد فراخوانی داده شده بود که سازمان رهایی زن نیز در راستای حمایت و هم پیمانی خود با جنبش جهانی رهایی زن فراخوانی رو به تمامی انسانهای آزاده و برابری طلب برای شرکت در این روز بزرگ و باشکوه داد و به صورت سازمان یافته و متشکل در این روز با حضور پررنگ خود به برگزاری هر چه باشکوه تر این روز وارد میدان شده و به همین خاطر در روز پنجشنبه 8 مارس 2012 در وسط شهر، میدان گوستاو آدولف توریت گوتنبرگ به همراه جمع کثیری از مردم آزادی خواه و برابری طلب تجمع یافته و بیانیه های سازمان رهایی زن به زبان انگلیسی و فارسی به صورت گسترده در اختیار مردم قرار گرفته و سپس با حرکت کردن به سمت یوتاپلاتسن واقع در قسمتی دیگر از شهر به صورت منظم تظاهرات نموده و آنجا نیز با سخنرانی چند نفر از احزاب سیاسی سوئدی و همچنین با خواندن سرودهایی با پخش موزیک و برنامه های متنوع دیگر برگزاری این روز را باشکوه تر و زیباتر نموده از طرف

گزارشی تصویری از برگزاری 8 مارس
در گوتنبرگ





گزارشی از مراسم 8 مارس و سخنرانی دیا علیخانی فعال جنبش حقوق زنان و هوزان محمود از سازمان آزادی زنان در عراق در دانشگاه SOAS لندن

A meeting to celebrate International Women's Day, organised by Women's Fightback and the Organisation of Women's Freedom in Iraq. People of all genders welcome.

7.15pm, Thursday 8 March
Room B102, Brunei Gallery,
School of Oriental and African
Studies, Thornough Street,
London WC1H (Euston,
Goodge Street or Russell
Square tube)

Speakers:

Janine Booth, RMT union activist on London Underground and RMT National Exec, London Transport seat (personal capacity)

Houzan Mahmoud, Organisation of Women's Freedom in Iraq

Dr Sami Zubaida, professor of politics and sociology, University of London

Diba Ali Kani, Association in Support of Women in Iran (more tbc)



Chair: **Esther Townsend**, Women's Fightback and Workers' Liberty
The economic crisis since 2008 has seen both huge attacks on women's rights and the growth of feminist organising and activism as a response. Women have been at the forefront of the protests in Britain, the huge strike waves in Greece, the US, across Europe, and the revolutionary movements still sweeping North Africa and the Middle East. But we are also under severe threat, from the Tories' cuts and bigoted moralism in Britain to the danger of Islamist counter-revolution in North Africa. At the same time, we face a struggle to make our own movements open, accessible and responsive to women, whether that's the trade unions, Occupy movement, the student movement, or socialist organisations.

Come and join us for an evening of celebration and discussion about the fight for women's liberation today.

We'll also be raising money to support the Organisation of Women's Freedom in Iraq - the hard work and campaigning they need to continue. Donations welcome.



گزارش 8 مارس استکهلم 2012- سازمان سراسری پناهندگان بیمرز

روز جهانی زن 8 مارس با شکوه در شهر استکهلم برگزار شد. روز های نزدیک به 8 مارس قبل و بعد آن بمناسبت این روز شهر استکهلم شاهد ده ها مراسم مختلف از جلسات ، سخنرانی ، جشن و تجمعات گوناگون گرفته تا تظاهرات و مارش روز جهانی زن بود که پیام اعتراض و مطالبه این روز را با شرکت هزاران نفر به جامعه اعلام می کرد. گوشه ای از مارش 8 مارس امسال استکهلم را ملاحظه می کنید.

سازمان سراسری پناهندگان / بیمرز

[http://www.flickr.com/photos/flykting/
/sets/72157629185424108/](http://www.flickr.com/photos/flykting/sets/72157629185424108/) عکس

<http://youtu.be/Hg9SajOA5rQ> ویدئو

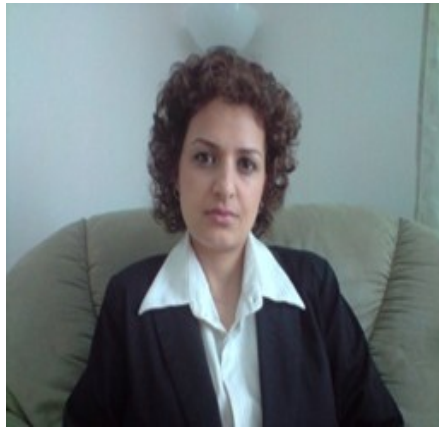


گزارش تصویری 8 مارس در عراق- بغداد

هوزان محمود سخنگوی سازمان رهایی زن در عراق

فایل صوتی و تصویر کامل سخنرانی از طریق تلویزیون رهایی زن پخش خواهد شد.





نمی گیرد. هر انسانی حق انتخاب دارد. می دانم که از رویاهایم حرف می زنم اما بد نیست گاه برای دور شدن از واقعیت های تلخ و گزنده دنیای پیرامون خود، به رویا پناه ببریم. به امید روزی که رویاها به واقعیت پیوندند.

2012/ March /3



تلویزیون رهایی زن

برنامه ای از سازمان رهایی زن

از شبکه تلویزیون ماهواره ای کانال یک،
جمعه ها 17:30 به وقت تهران

باز پخش، شنبه ها 17:30 به وقت تهران

پیام گیر: 001(717)7548633

وب سایت:

<http://www.Rahai-Zan.TV>

وبلاگ: <http://rahaizantv.blogspot.com/>

فیس بوک:

<http://www.facebook.com/>

MinoHemati.RahaiZan.TV

مثل هر انسانی از خطا مصون نیست. واقع بین باشیم. نه آنقدر زن را بالا ببریم که از حریم انسان خاکی دور شود و دست نیافتنی، و نه آن قدر کوچک کنیم که اختیار و انتخاب نداشته باشد.

این ادبیات هزل را چه کسی وارد ذهن مرد شرقی کرده است که: زن یعنی از خود سوختن برای نسوختن دیگری، یعنی خندیدن برای خندانند دیگری، یعنی گریه نکردن برای قطع گریه دیگری، یعنی داشتن دل پر و نفهمیدن دیگری، یعنی درد کشیدن و لذت بردن دیگری. یعنی هزاران بار خرد شدن و بالا بودن دیگری؟

مسئله برابری زن و مرد کلاف سردرگمی ست که سرخ آن در یک نکته نهفته است: قدرت! آنچه در طول تاریخ بر سر آن جنگ ها برپا شده است و هدف و آمال چه بسیار زیاده خواهان بوده و هست. بنابراین صحبت از برابری برای آنان محلی از اعراب ندارد، هیچ معنایی ندارد.

اگر واقع بینانه و به دور از خودخواهی بیندیشیم جهانی که مردان و زنان در آن برابر و هم شان هستند، جهانی زیباتر خواهد بود و سرشار از آرامش و بالندگی. جهانی که هیچکس در آن تحقیر نمی شود، هیچ کس کنترل نمی کند و مورد کنترل قرار

” زنانه“

سحر نیازی

تقدیم به همه زنان ایرانی به مناسبت روز جهانی زن آنچه تا به حال از زبان مردان شنیده ایم: ”زن کلمه ای که هزاران معنی در آن نهفته است. کلمه ای که نهان و آشکارش با هم فاصله دارد. فاصله به معنی متضاد بودن نه بلکه به معنای آن که بعضی وقتها نهان بودن بهتر از آشکار بودن است. نگفتن حرفی بهتر از گفتن آن است. زن یعنی همه چیز.....“

اما بیایم یک دقیقه واقع گرایانه بیندیشیم: واقعیت این است که زن بودن خیلی سخت است. چراکه اینطور تصور می شود که زن تنها متعلق به خود نیست. زن سرشار است از فداکاری، دلسوزی، پاکی، خوبی، مهربانی، صداقت و وفاداری تا ابد.

اما زن انسان است و در درجه ی اول به خود تعلق دارد. زن فقط مادر نیست. زن مثل نیمه ی دیگر جامعه انسانی ست که می اندیشد، خواسته هایی دارد، گاه خودخواه است و گاه دیگر خواه. گاه آرام است و گاه خشمگین. گاه می بخشد و گاه سرشار از کینه است و قطره ای از آن دریای بخششی که مردان از آن دم می زنند را نمی تواند در وجود خود پیدا کند.